

ارزش‌ها و اخلاق کار

(مطالعه موردی معلمان شهر رشت)

حمید عباداللهی چندانق^۱، جعفر نجات^۲

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۱/۲۰)

چکیده

اخلاق کار^۳ در مقایسه با سایر موضوعات مربوط به کار و شغل، هم‌چون وجدان کاری^۴ و تعهد کاری^۵ کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش، چگونگی رابطه اخلاق کار را با ارزش‌ها بررسی می‌کند. بدین منظور حجم نمونه ۳۹۳ نفری از جامعه آماری معلمان شهر رشت با استفاده از ابزار پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی، نشان‌دهنده میزان بالای اخلاق کار در بین معلمان و رابطه معنادار اخلاق کار با اعتقاد به ارزش‌های مذهبی، فرهنگی سیاسی و اقتصادی است. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه، ارزش‌های مذهبی در بعد پیامدی و ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه بیشترین میزان و شدت تأثیر را بر اخلاق کار دارند.

واژگان کلیدی: اخلاق کار، گرایش‌های مذهبی، ارزش‌های محافظه‌کارانه و ارزش‌های لیبرال (در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست).

طرح مسئله

نیل به ارتقا در هر کشوری، در سایه سخت‌کوشی حاصل می‌شود. جامعه باید دارای انسان‌های کوشا و متعهد به کار باشد. بررسی کارشناسان مسایل اجتماعی ایران و جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که اخلاق و فرهنگ کار در ایران در مقایسه با جوامع پیشرفته صنعتی در سطح پایینی قرار دارد (معیدفر، ۱۳۸۲: ۳)؛ به طوریکه این مشکل تبدیل به یکی از تنگناهای دستیابی به توسعه همه‌جانبه در کشور شده است. در شرایط فعلی، پاسخ راه‌بردی، کاربردی و هدف‌دار به این معضل، بخشی از تعهدات و وظایف محققان، برنامه‌ریزان و دانشگاهیان کشور است.

فرهنگ و اخلاق کار به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی توسعه، با فرآیندهای اجتماعی شدن در نهاد خانواده و نظام آموزش و پرورش مرتبط است. برای مثال، مک کله‌لند، فورنهام، چرینگتون و دی‌وایت به ترتیب در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ موضوع اجتماعی شدن و اخلاق کار را محور مطالعات خود قرار داده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، خانواده و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهادهایی که در آن‌ها اجتماعی شدن و توسعه ارزش‌های مرتبط با شغل صورت می‌گیرد، نقشی کلیدی در تولید افرادی دارند که می‌توانند جامعه را برای توسعه درون‌زا آماده سازند (مک کله‌لند، ۱۹۶۱؛ فورنهام، ۱۹۸۷؛ چرینگتون، ۱۹۸۰؛ دی‌وایت، ۱۹۹۵). کوهن، سلومزینسکی و شوئنباخ (۱۹۸۶) اجتماعی شدن درون طبقاتی و اخلاق کار را محور مطالعات خود قرار دادند و نشان دادند که والدین نگرش‌های طبقاتی خود را درباره شغل به فرزندان‌شان منتقل می‌کنند. هم‌چنین پژوهش در سنت مطالعات فرهنگی بریتانیا - که مرکز بیرمنگام برای مطالعات فرهنگی معاصر^۶ نمونه‌ای از آن است - ایده اجتماعی شدن مرتبط با طبقه اجتماعی را تأیید می‌کند (ویلیس، ۱۹۷۷).

^۱ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان / h_ebadollahi@hotmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی؛ مدرس مدعو گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز گناوه استان بوشهر / JNejatim@gmail.com

^۳ WorkEthic

^۴ Job Conscientiousness

^۵ WorkCommitment

^۶ Centre for Contemporary Cultural Studies (CCCS)

حوزه اجتماعی شدن و اخلاق کار حوزه‌ای جالب توجه و در عین حال کلیدی برای فهم توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی هر کشور به شمار می‌رود. پس از خانواده، نظام آموزشی هر کشور عهده‌دار درونی‌سازی ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در نسل جدید است و در این بین، معلمان جایگاهی بسیار مهم و درخور توجه دارند. مقاله حاضر که برگرفته از پژوهشی میدانی است، به مطالعه اخلاق کار در بین معلمان، به عنوان کارگزاران اجتماعی کردن دانش‌آموزان، می‌پردازد. انتخاب معلمان برای جامعه آماری مطالعه حاضر، به همین منظور صورت گرفته است، چرا که شناخت میزان اخلاق کار معلمان خود گامی بلند در جهت درک جریان‌های اجتماعی شدن نسل جدید در حوزه شغل است. طرح بحث «اجتماعی شدن ارزش‌ها و اخلاق (کار) در درون نهادهای خانواده و آموزش و پرورش» در حالی صورت می‌گیرد که جامعه ایران طی دهه‌های اخیر در حال سپری کردن راهی نامتوازن در حوزه فرهنگ است. درحقیقت این سؤال مطرح می‌شود که در چنین شرایطی «اجتماعی شدن» چه ارزش‌هایی صورت می‌گیرد؟ اجتماعی شدن ارزش‌های سنتی یا ارزش‌های مدرن در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ؟ تحولات چند دهه اخیر جامعه نشان می‌دهد، ایران به عنوان جامعه‌ای در حال گذار، شاهد تغییر و تحولات نامتوازن در حوزه‌های مختلف هم‌چون اقتصاد، فرهنگ، سیاست و مذهب در قالب چالش بین سنت و مدرنیته بوده است. بر همین اساس، این تغییر و تحولات نامتوازن یا به تعبیری، چالش بین سنت و مدرنیته در نگرش، ارزش و رفتارهای افراد جامعه تأثیر گذاشته است. مطالعه نسبت «تغییر و تحولات در حوزه ارزشی» و «اخلاق کار» می‌تواند پژوهشی مهم برای فهم تأثیرپذیری اخلاق کار از تحولات فرهنگی جامعه باشد. معلمان به عنوان یکی از اصلی‌ترین انتقال‌دهندگان ارزش‌های مرتبط با شغل و اخلاق کار به نسل‌های آتی، جامعه آماری مهمی در مطالعات فرهنگ و اخلاق کار به شمار می‌روند و فهم این نکته که اخلاق کار نزد معلمان به چه میزان است و تحت تأثیر چه ارزش‌هایی (مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) قرار دارد، می‌تواند شناخت ارزشمندی از فرهنگ و اخلاق کار در جامعه به دست دهد.

ادبیات اخلاق کار حاکی از آن است که اخلاق کار پدیده‌ای عمدتاً سنتی و همبسته با ارزش‌های سنتی و محافظه‌کارانه است (فیدر، ۱۹۸۴؛ فورنهام، ۱۹۸۴؛ آتیه، بریف و ولراث، ۱۹۸۷؛ تاربوت، ۱۹۹۹؛ تاربوت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵). حال، مسئله این پژوهش تحقیق و سؤال از وجود چنین ارتباطی در ایران است. در ایران در دوره‌های مختلف، اخلاق کار معلمان با مجموعه متفاوتی از ارزش‌ها همبسته بوده است. برای مثال، شاید بتوان در دوران سیاسی شدن جامعه در دهه ۱۳۵۰ «همبستگی اخلاق کار معلمان با ارزش‌های سیاسی» و در دهه ۱۳۶۰ با حاکمیت گفتمان اسلام بر نهاد آموزش و پرورش «همبستگی ارزش‌های دینی با اخلاق کار معلمان» را بیشتر مشاهده کرد. شناخت وضعیت کنونی و ارتباط اخلاق کار معلمان با مجموعه‌های متفاوتی از ارزش‌ها (دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) از مهم‌ترین مسائلی است که این مقاله در پی آشکارساختن آن است. به علاوه، شناخت میزان تمایل معلمان به ارزش‌های محافظه‌کارانه در حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و نشان دادن میزان محافظه‌کاری و ربط آن با اخلاق کار معلمان از اهداف این مقاله است. در راستای دستیابی به اهداف فوق و هم‌جهت با ادبیات موجود در حوزه اخلاق کار، مقوله ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های محافظه‌کارانه و لیبرال دسته‌بندی و تلاش شد تا در وهله نخست میزان اخلاق کار معلمان مورد سنجش دقیق قرار گیرد و در وهله دوم رابطه بین ارزش‌های محافظه‌کارانه و لیبرال در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اخلاق کار آن‌ها مورد آزمون تجربی قرار گیرد. هم‌چنین، تلاش برای فهم رابطه اخلاق کار معلمان با ارزش‌های مذهبی آن‌ها از اهداف دیگر این پژوهش است. با عنایت به نکات فوق، هدف اصلی این پژوهش توصیف و تبیین اخلاق کار معلمان در ارتباط با ارزش‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن‌هاست. این هدف کلی، به واسطه مجموعه اهداف فرعی زیر دنبال خواهد شد:

۱. بررسی رابطه بین میزان دین‌داری معلمان و میزان اخلاق کار آنان
۲. بررسی رابطه بین اعتقاد معلمان به ارزش‌های سیاسی (بنیادگرایانه/دموکراتیک) و میزان اخلاق کار آنان
۳. بررسی رابطه بین اعتقاد معلمان به ارزش‌های اقتصادی (محافظه‌کارانه/ لیبرال) و میزان اخلاق کار آنان
۴. بررسی رابطه بین اعتقاد معلمان به ارزش‌های فرهنگی (محافظه‌کارانه/ نوگرایانه) و میزان اخلاق کار آنان

رویکرد نظری و ادبیات تحقیق

مهم‌ترین مشخصه یک نظریه را می‌توان مدت زمانی دانست که آن نظریه ادامه می‌یابد و توجه محققان را به خود جلب

می‌کند و همچنین تعداد پژوهش‌گرانی که به تحقیق در آن حوزه می‌پردازند (جونز، ۱۹۹۷). اگر این مشخصه را ملاک ارزیابی قوت یک نظریه بدانیم، نظریه اخلاق کار پروتستانی و روح سرمایه‌داری وبر و مفهوم نظری برآمده از آن (اخلاق کار) می‌تواند نظریه و مفهومی قوی در حوزه مطالعات اجتماعی (و حتی روان‌شناختی، مدیریتی) به شمار آید؛ چرا که پژوهش‌های بسیاری در دهه‌های اخیر بر اساس این مفهوم، چه به لحاظ تجربی و چه نظری، صورت گرفته است. همان‌طور که وئر^۷ و دیگران (۲۰۰۷: ۱۶۵) خاطرنشان می‌سازند، اخلاق کار کانون توجه پژوهش‌گران در تاریخ، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و رفتار سازمانی بوده است.

کتاب *اخلاق کار پروتستانی و روح سرمایه‌داری* وبر (۱۳۷۳) به دلیل خصلت چندرشته‌ای در مطالعه دین و رفتار اقتصادی، بانی مطالعاتی در حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی اقتصاد بوده است. یکی از پرسش‌های محوری این کتاب، میزان تأثیر تلقی‌های دینی بر رفتارهای اقتصادی جوامع است. او بر این باور بود که تلقی‌های دینی عملاً از عناصر تعیین‌کننده رفتارهای اقتصادی‌اند و در نتیجه یکی از علل دگرگونی‌های اقتصادی جوامع به شمار می‌روند (آرون، ۱۳۸۱: ۶۱). به باور وی ایمان کالونیستی پروتستان‌ها یک خصلت روحی ویژه داشت: کار و موفقیت مالی نه تنها ابزار دستیابی به اهداف شخصی، بلکه ابزار دستیابی به اهداف مذهبی نیز بود (کیدرون، ۱۹۷۸). درحقیقت، تحت تأثیر تعالیم کالون و لوتر، مقوله «کار»، تبدیل به شرافت و ارزش شد (مودراک، ۱۹۹۲: ۲۱۷). در نتیجه، اصلاحات پروتستانی در قرن شانزدهم تغییرات عمیقی در طرز تفکر غالب درباره کار پدید آورد.

مفهوم اخلاق کار پروتستانی وبر (۱۳۷۳) دریچه‌ای نو بر روی تحقیقات مرتبط با تغییر و توسعه باز کرده است، چرا که رابطه‌ای سببی بین اخلاق پروتستانی و توسعه نظام سرمایه‌داری در غرب ایجاد می‌کند. مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) نظریه وبر را به حوزه مطالعات روان‌شناسی/ توسعه بسط داد و تلاش کرد تا تبیینی روان‌شناختی - اجتماعی از پیوند پروتستان‌تیسیم و نظام سرمایه‌داری عرضه کند. مک‌کله‌لند مفهوم اخلاق کار پروتستانی را عمیقاً با مفهوم روان‌شناختی «میل به پیشرفت» ارتباط داد و توسعه سرمایه‌داری در جوامع را محصول این خصلت روانی/ اجتماعی دانست (فورنهام، ۱۹۹۰). مطالعه مک‌کله‌لند (۱۹۶۱) مقوله اخلاق کار را با مقوله اجتماعی‌شدن مرتبط ساخت. وی به بررسی این نکته پرداخت که چگونه حمایت و تشویق والدین، انگیزه موفقیت در دوره نوجوانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعدها چرینگتون (۱۹۸۰) در تحقیقش متوجه این نکته شد که بچه‌های والدینی که خودشان تربیت نظام‌مندی داشته‌اند اخلاق کار بالاتری دارند. همچنین فورنهام (۱۹۸۷) بین اخلاق کار مادران و فرزندان‌شان همبستگی متوسطی (۰.۲۴) یافت، اما هیچ همبستگی بین اخلاق کار پدران و فرزندان‌شان در این تحقیق گزارش نشده است. در دهه ۱۹۹۰ دی‌وایت (۱۹۹۵) همبستگی مثبت ۰.۳۰ درصدی بین اخلاق کار مادران و فرزندان‌شان گزارش کرد، اما او هم در یافتن همبستگی مشابه بین اخلاق کار پدران و فرزندان شکست خورد.

علاوه بر مطالعاتی که در زمینه ارتباط بین اخلاق کار والدین و فرزندان و اجتماعی‌شدن اخلاق کار در درون خانواده صورت گرفته است، می‌توان به مطالعات در مورد اجتماعی‌شدن محیطی اشاره کرد. در خصوص اجتماعی‌شدن محیطی و توسعه ارزش‌های مرتبط با شغل می‌توان به کار قابل توجه ملوین کوهن اشاره کرد. او در تحقیق کلاسیک‌اش (۱۹۶۳) بیان می‌کند که ارزش‌ها و شخصیت متأثر از موقعیت طبقاتی‌اند. بعدها کوهن، اسلومزینسکی و شوئنباخ (۱۹۸۶) نشان دادند که والدین این نگرش‌های طبقاتی را به فرزندان‌شان انتقال می‌دهند. والدین با تحصیلات پایین‌تر و از طبقه کارگر، فرزندان‌شان را برای محیط‌های کاری غیر منعطف که بیشتر احتمال مواجهه با آن‌ها را دارند آماده می‌کنند، در حالی که والدین طبقه متوسط با سطح تحصیلات بالا، فرزندان‌شان را برای مشاغل با امنیت و خودمختاری بالا آماده می‌کنند.

در سنت مطالعات فرهنگی بریتانیا، ویلیس (۱۹۷۷) در مطالعه قوم‌نگارانه تأثیرگذارش بر روی «برو بچه‌های» طبقه کارگر، جوانانی را توصیف می‌کند که خرده‌فرهنگ محاط بر زندگی آن‌ها مانع از تحرک رو به بالای آن‌ها می‌شود. هموالدین و هم‌گروه همالان، از بهبود موقعیت اجتماعی فرزندان یا دوستان‌شان به واسطه موفقیت در تحصیل نگرانی‌هایی دارند، زیرا می‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند. این نگرانی، خود را در قالب مجموعه‌ای از نگرش‌های ضد مدرسه‌ای متجلی می‌کند. هم‌زمان با قاعده‌شدن شکست در نظام آموزشی، جوانان طبقه کارگر به این ایده می‌رسند که کار یدی تقدیر آن‌هاست. طبق نظر ویلیس،

7. Woehr

به این دلیل است که بچه‌های طبقه کارگر شغل‌های طبقه کارگر و اخلاق کار پیوسته به آن را می‌پذیرند. رابطه تنگاتنگ اخلاق کار با محافظه‌کاری، به یافته‌های اخیر محدود نمی‌شود. حتی خود وبر (۱۳۷۳) نیز اخلاق کار پروتستانی را در ارتباط با ارزش‌های بورژوازی محافظه‌کارانه قرار داد. درحقیقت، از همان زمان پیدایی مفهوم اخلاق کار، این مفهوم در درون ایده‌آل‌های اقتصادی محافظه‌کارانه در مورد توزیع قدرت و ثروت جای می‌گرفت. وبر معتقد بود اخلاق کار پروتستانی به قشر پایین‌تر جمعیت کارگری انتقال پیدا می‌کند و آن‌ها به این باور می‌رسند که کار سخت، صرفه‌جویی و مصرف عقلانی روش شایسته زندگی است (تارپوت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵: ۴۲۳). اخیراً در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم، سنجش‌های روان‌شناختی اخلاق کار به اثبات دوباره رابطه بین اخلاق کار از یک‌سو و ارزش‌ها و نگرش‌های محافظه‌کارانه از سوی دیگر انجامید (آتیه، بریف و ولراث، ۱۹۸۷؛ فورنهام، ۱۹۸۴). مطالعات همواره نشان داده‌اند اخلاق کار با محافظه‌کاری مرتبط بوده است، اما این موضوع که اخلاق کار در درون محافظه‌کاری فرهنگی قرار می‌گیرد یا اقتصادی، روشن نیست (راجمیکر، ۱۹۸۷؛ تارپوت، ۱۹۹۹).

تارپوت، راجمیکر و فون ول در مطالعه‌ای با عنوان «اجتماعی‌شدن و رشد اخلاق کار در بین نوجوانان» (تارپوت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵)، بر رابطه اخلاق کار و محافظه‌کاری تأکید کردند. این مطالعه در قالب پژوهش پانل طولی صورت گرفت که در سه مرحله مکرر، ۶۲۰ نفر از نوجوانان به همراه والدین‌شان در سه مقطع زمانی (۱۹۹۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷) مورد مصاحبه قرار گرفتند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد اخلاق کار بخشی از فرهنگ محافظه‌کارانه قلمداد شده و با ارزش‌های محافظه‌کارانه به‌ویژه در حوزه فرهنگ مرتبط است. هم‌چنین یافته‌های آن‌ها حاکی است که اخلاق کار و محافظه‌کاری هر دو به واسطه اجتماعی‌شدن، از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که «محافظه‌کاری فرهنگی نوجوانان» و «سطح تحصیلی نوجوانان»، عوامل تعیین‌کننده اخلاق کار آن‌ها است. این مطالعه نشان داد که در بین نوجوانان با سطح تحصیلی پایین‌تر و محافظه‌کاری فرهنگی بالاتر، اخلاق کار قوی‌تری مشاهده می‌شود. یافته‌های این محققان بیان‌کننده آن است که اخلاق کار جزئی از حوزه محافظه‌کاری فرهنگی است و ماهیتاً پدیده‌ای محافظه‌کارانه - سنت‌گرایانه قلمداد می‌شود. نکته جالب توجه این که در پژوهش آن‌ها رابطه‌ای بین نوع دیگری از محافظه‌کاری، یعنی محافظه‌کاری اقتصادی و اخلاق کار به دست نیامد (تارپوت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵: ۴۳۵ - ۴۲۰).

کریستوفر و جونز در مقاله‌ای (۲۰۰۴) به مطالعه نقش میانجی و واسطه‌گرانه اخلاق کار بین میزان ثروت افراد و درک آن‌ها از دیگران پرداختند. این مطالعه نیز نتایجی داشت که رابطه اخلاق کار و محافظه‌کاری را، البته از زاویه‌ای دیگر، تأیید می‌کرد. مطالعه آن‌ها نشان داد میان سطح ثروت فرد و تصور وی از توانایی‌های فردی و تمایل به سبک زندگی سخت‌کوشانه رابطه مثبت وجود دارد. بنابر نتایج این پژوهش، افراد با اخلاق کار پروتستانی بیشتر، درکی مثبت‌تر درباره افراد ثروتمند دارند و آن‌ها را افرادی دقیق ارزیابی می‌کنند. یافته‌ها نشان داد «مسئولیت‌پذیری» و «موفقیت»، ارزش‌های مورد توجه افراد با اخلاق کار پروتستانی بالاست. جالب توجه است که با وجود آن که با تغییر میزان اخلاق کار پروتستانی در افراد، درک آن‌ها درباره افراد ثروتمند تغییر می‌کند، تغییر در میزان اخلاق کار تأثیری بر درک آن‌ها از افراد فقیر ندارد. نکته جالب توجه دیگر آن که افراد با اخلاق کار بالاتر ادراک مثبت‌تری نسبت به مردان (در مقایسه با زنان) داشتند و حتی این امر نزد آن‌ها به نوعی عقیده قالبی در مورد مردان و زنان می‌انجامید: برای مثال، این عقیده قالبی که زنان دارای دقت بیشتر و مردان دارای مهارت بیشتریند. این یافته‌ها حاکی از نکته‌ای ظریف است و آن این که جدای از وجود علل سرمایه‌دارانه، اخلاق کار ممکن است با گرایش به تبعیض علیه زنان رابطه داشته باشد. بیشتر پژوهش‌بیرنت و همکارانش (۱۹۹۶) حاکی از آن بود که اخلاق کار پروتستانی متغیر مهمی در عقاید قالبی نژادی و نگاه‌های تبعیض‌آمیز است. نتایج کریستوفر و جونز (۲۰۰۴) نیز همانند آن مطالعه نشان می‌دهد اخلاق کار پروتستانی می‌تواند متغیر مهمی در هر عرصه وسیع‌تری از فرآیند ادراک فرد باشد. به‌ویژه در خصوص جنسیت. نکته جالب توجه دیگر به عنوان نتیجه پژوهش حاضر، حاکی است که افراد با اخلاق کار پروتستانی بالا اگرچه درک مثبت‌تری از افراد ثروتمند دارند، ضرورتاً با به نمایش گذاشتن ثروت خود موافق نیستند و سبک زندگی ثروتمندانه را نمی‌پسندند. تمامی این یافته‌ها، اخلاق کار را با ارزش‌های محافظه‌کارانه در عرصه‌های فرهنگ و اجتماع مرتبط می‌سازد. هیگنز و همکارانش (هیگنز، ۱۹۹۷ و هیگنز و دیگران، ۲۰۰۱) نیز همین یافته را تأیید می‌کنند. آن‌ها خاطر نشان می‌سازند که اخلاق کار، بیش از آن که با حرکت به جلو و پیشرفت (مانند به دست آوردن پول) رابطه داشته باشد، با

محافظه‌کاری و امتناع از قرار گرفتن در موقعیت‌های نامناسب (مانند از دست دادن پول) همراه است. این محققان بر همین مبنای، به جای آن که مفهوم اخلاق کار را با مفهوم «کانون پیشرفت»^۸ مرتبط سازند، آنرا با مفهوم «کانون جلوگیری»^۹ مرتبط ساخته‌اند.

با وجود آن که مطالعات اخلاق کار طی دهه‌های اخیر همواره پژوهش‌گران بسیاری را در کشورهای پیشرفته در رشته‌های مختلف به خود جلب کرده است، مطالعات چندانی در خصوص این موضوع محوری در ایران انجام نشده است. از معدود مطالعات موجود در داخل می‌توان به معیدفر (۱۳۸۰ و ۱۳۸۲) و کاویان اهوایی (۱۳۸۳) اشاره کرد. معیدفر در تحقیقی با عنوان «بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن» که در سال ۱۳۷۶ انجام داد، به بررسی اخلاق کار در «واحدهای تولیدی استان تهران» پرداخته است (معیدفر، ۱۳۸۰). جامعه آماری این پژوهش کارکنان واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. هدف این مطالعه، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن (هم‌چون ویژگی‌های شخصیتی، پایگاه فرد، نگرش به محیط اجتماعی، میزان کار و فراغت) بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد امید فرد به آینده کشور، بیشترین تأثیر را بر اخلاق کار افراد دارد. پس از امید به آینده کشور، محل سکونت فرد، میزان رضایت از کار، میزان آزادی عمل فرد در محل کار و تعداد افراد تحت تکفل به ترتیب بیشترین میزان تأثیر را بر اخلاق کار دارند (معیدفر، ۱۳۸۰: ۱۲۸ - ۱۲۳). معیدفر در سال ۱۳۸۲ در کار تحقیقی دیگری با عنوان «بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به بررسی اخلاق کار و عوامل مؤثر بر آن در بین «کارکنان ادارات دولتی استان تهران» پرداخت (معیدفر، ۱۳۸۲). بررسی و سنجش میزان اخلاق کار و شناسایی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان تهران، هدف این مطالعه تجربی بود که با استفاده از نظریه‌های بیگانگی سیاسی هانتینگتون، نظریه محرومیت نسبی و توقعات فراینده دیویس و گار و هم‌چنین نظریه مدیریت سیستمی انجام گرفت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که میزان اخلاق کار در بین کارکنان دولتی استان تهران نسبتاً بالا است. در بررسی فرضیه‌های تحقیق مشخص شد هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر می‌رود، سطح اخلاق کار پایین می‌آید. به طور کلی بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (اخلاق کار) حاکی از آن است که تحصیلات و میزان بیگانگی بیشترین تأثیر را بر اخلاق کار می‌گذارد.

کاویان اهوایی (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «بررسی اخلاق کار در بخش دولتی و خصوصی و عوامل مؤثر بر آن» به بررسی اخلاق کار در کارخانه ذوب آهن اصفهان پرداخته است. هدف این مطالعه پاسخ به این سؤال است که آیا خصوصی‌سازی صنایع توانسته است تأثیر معناداری بر اخلاق کار کارکنان داشته باشد؟ روش این مطالعه «پیمایش» و ابزار گردآوری اطلاعات آن، پرسش‌نامه است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان شاغل در کارخانه ذوب آهن اصفهان است (حجم نمونه ۳۸۹ نفر). چهارچوب نظری این تحقیق، ترکیبی از نظریه بیگانگی از کار مارکس، رویکرد مدیریتی گیورت و هافستد و مدل سیستمی ریتزر و نظریه طبقه‌بندی نیازهای مازلو می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد با افزایش سن، اخلاق کار بالا می‌رود. هم‌چنین یافته‌ها حاکی است با افزایش سن، دل‌بستگی به کار و روح جمعی و مشارکت در کار افزایش می‌یابد. میزان حقوق ماهانه فرد بر اخلاق کار وی تأثیر منفی دارد؛ به طوریکه پس از بهبود تدریجی وضعیت اقتصادی فرد، از میزان اخلاق کار او کاسته می‌شود و این امر با توجه به نظریه طبقه‌بندی نیازهای مازلو، به دلیل اقناع شاغلان از نیازهای مادی است. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد کسانی که تحصیلات بیشتری دارند میزان اخلاق کارشان پایین‌تر است (کاویان اهوایی، ۱۳۸۳: ۲۶).

همان‌طور که رویکرد و ادبیات نظری این پژوهش نشان داد، پژوهش حاضر در سنتی وبری سازه نظری اخلاق کار را در ارتباط با فرهنگ محافظه‌کاری و ارزش‌های مرتبط با آن مورد سنجش تجربی قرار می‌دهد. این تحقیق با اتکا به ادبیات نسبتاً غنی در حوزه اخلاق کار، پدیده اخلاق کار در کشور را با مباحث توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی مرتبط کرده و به همین دلیل مقوله ارزش‌ها را از زاویه ارزش‌های محافظه‌کارانه (سنتی) / لیبرال مورد مطالعه قرار داده و سعی در برقراری ارتباط بین ارزش‌ها و اخلاق کار دارد. انتخاب جمعیت این پژوهش از بین معلمان شاغل در نظام آموزشی کشور نیز دلالت بر آن دارد که

8. Promotion focus

9. Prevention focus

اجتماعی شدن اخلاق کار از موضوعات فرعی مورد توجه در این تحقیق است. بدین ترتیب، با توجه به ادبیات نظری موجود در این حوزه، فرضیات ذیل برای بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی معلمان در حوزه فرهنگ، مذهب، اقتصاد و سیاست با اخلاق کار آن‌ها در قالب مفروضات نظری زیر ارائه شده است:

فرضیه‌های کلی

۱. سطح اخلاق کار معلمانی که به ارزش‌های مذهبی اعتقاد بیشتری دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که به ارزش‌های مذهبی اعتقاد کمتری دارند.
۲. سطح اخلاق کار معلمانی که بیشتر به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه اعتقاد دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که بیشتر به ارزش‌های سیاسی دموکراتیک اعتقاد دارند.
۳. بین میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه و میزان اخلاق کار آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۴. اخلاق کار معلمانی که بیشتر به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه اعتقاد دارند، بالاتر از اخلاق کار معلمانی است که بیشتر به ارزش‌های فرهنگی نوگرایانه اعتقاد دارند.

فرضیه‌های فرعی

۱. سطح اخلاق کار معلمانی که به بعد اعتقادی ارزش‌های مذهبی اعتقاد بیشتری دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که به این بعد ارزش‌های مذهبی اعتقاد کمتری دارند.
۲. سطح اخلاق کار معلمانی که به بعد عاطفی ارزش‌های مذهبی اعتقاد بیشتری دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که به این بعد ارزش‌های مذهبی اعتقاد کمتری دارند.
۳. سطح اخلاق کار معلمانی که به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی اعتقاد بیشتری دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که به این بعد ارزش‌های مذهبی اعتقاد کمتری دارند.
۴. سطح اخلاق کار معلمانی که به بعد مناسکی ارزش‌های مذهبی اعتقاد بیشتری دارند، بالاتر از سطح اخلاق کار معلمانی است که به این بعد ارزش‌های مذهبی اعتقاد کمتری دارند.

روش تحقیق

در این پژوهش که در شمار پژوهش‌های پیمایشی جا می‌گیرد، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات با ابزار گردآوری پرسش‌نامه صورت گرفت. پرسش‌نامه‌ها در سطح معلمان مدارس دولتی شهر رشت توزیع گردید. پرسش‌نامه شامل سؤالات بسته‌ای بود که به شیوه چندگزینه‌ای (عموماً به روش طیف لیکرت) در یکی از سطوح سنجش اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی متغیرهای مورد نظر را می‌سنجید. در این پژوهش، برای سنجش میزان پایایی مقیاس‌های اصلی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نمونه آماری این مطالعه، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۳۹۳ نفر از معلمان شهر رشت در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ بود که با توجه به ساختار نامتجانس جامعه آماری، به روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شدند. واحد تحلیل این پژوهش، فرد یا به عبارتی «معلم» است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات، با کاربرد برنامه اس. پی. اس. اس و با استفاده از آمار توصیفی و ضرایب همبستگی، و تحلیل رگرسیون چندمتغیری انجام شده است.

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها

اخلاق کار: در این پژوهش، اخلاق کار از طریق شاخص بین‌المللی پتی (۱۹۹۰) مورد سنجش قرار گرفته است. علت انتخاب شاخص پتی (۱۹۹۳ و ۱۹۹۴؛ هیل، ۱۹۹۲) برای سنجش تجربی سازه اخلاق کار، بومی‌سازی این شاخص و کاربرد آن در مطالعات پیشین در داخل کشور است (معیدفر، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲). در شاخص پتی (پتی، ۱۹۹۴، ۱۹۹۳ و هیل ۱۹۹۲) اخلاق کار به چهار بعد (۱) دلبستگی و علاقه به کار^{۱۰}، (۲) پشتکار و جدیت در کار^{۱۱}، (۳) روابط سالم و انسانی در محیط کار^{۱۲} روح

¹⁰. Dependable

¹¹. Ambitious

¹². Considerate

جمعی و مشارکت در کار^{۱۳} تقسیم شده و برای هر بعد گویه‌هایی در نظر گرفته شده است (معیدفر، ۱۳۸۲: ۴۴).

ارزش‌های مذهبی: در این تحقیق، ارزش‌های مذهبی بر اساس مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵) عملیاتی شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۵)؛ بدین صورت که ارزش‌های مذهبی به چهار بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی تقسیم شد و برای هر کدام از این ابعاد چهارگانه گویه‌هایی در نظر گرفته شد (پیوست ۱) و میزان اعتقاد افراد به ارزش‌های مذهبی عموماً به واسطه طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

ارزش‌های سیاسی: ارزش‌های سیاسی با توجه به نوع‌شناسی سه‌وجهی فرهنگ سیاسی آلموند و وربا (۱۹۶۳ و ۱۹۸۰، به نقل از اینگلههارت، ۱۳۸۰: ۷۸) و همچنین با توجه به ساختار سیاسی جامعه ایران، به گونه‌ای مفهومیابی و عملیاتی شد که در دو بعد ارزش‌های سیاسی بنیادگرا/دموکراتیکمورد سنجش قرار گیرد. برای سنجش هر کدام از ارزش‌های سیاسی دموکراتیک و بنیادگرایانه گویه‌هایی در نظر گرفته شد (پیوست ۱) که با طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند.

ارزش‌های فرهنگی: ارزش‌های فرهنگی بر اساس تقسیم‌بندی دو وجهی تاربوت و همکارانش (تاربوت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵: ۴۳۷) به ابعاد محافظه‌کارانه و نوگرایانه تقسیم و عملیاتی شد و برای هر کدام از این ابعاد گویه‌هایی در نظر گرفته شد (پیوست ۱) تا میزان محافظه‌کاری یا نوگرایی فرهنگی معلمان مورد سنجش قرار گیرد. گفتنی است در ساختن گویه‌های مربوط به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه و نوگرایانه، علاوه بر اتکا به ادبیات پژوهشی موجود در خارج از ایران، به وضعیت فرهنگی جامعه ایرانی و شرایط کنونی آن توجه شد و به همین دلیل محافظه‌کاری و نوگرایی در ارتباط با پدیده‌های «سنت‌گرایی/سنت‌ستیزی»، «جنسیت‌گرایی/برابری جنسیتی» و «غرب‌ستیزی/غرب‌گرایی» مورد سنجش قرار گرفت. این گویه‌ها نیز با طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های فردی معلمان: از مجموع معلمان مورد مطالعه در این پژوهش، ۵۵/۲ درصد زن و ۴۴/۸ درصد مرد بودند. از نظر وضعیت تأهل، معلمان متأهل تقریباً سه برابر معلمان مجرد و میزان تحصیلات اکثر آن‌ها (۷۵ درصد) کارشناسی بود. یافته‌ها حاکی است که ۵۳/۲ درصد از معلمان در مقطع ابتدایی، ۳۱/۸ درصد در مقطع راهنمایی و ۱۵ درصد در مقطع متوسطه تدریس می‌کنند. بررسی سابقه تدریس جمعیت مورد بررسی نشان می‌دهد سابقه تدریس ۵۶ درصد از معلمان بین ۱۱ تا ۲۰ سال، ۳۵ درصد زیر ۱۰ سال و تنها ۹ درصد بالای ۲۰ سال است.

اخلاق کار: همان‌طور که پیشتر ذکر شد، در این پژوهش سازه نظری اخلاق کار به چهار بعد (دلبستگی و علاقه به کار، پشتکار و جدیت در کار، روابط سالم و انسانی در محیط کار، روح جمعی و مشارکت در کار) تقسیم شد و مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل از سنجش کلی سازه اخلاق کار نشان می‌دهد که نمره اخلاق کار ۷۰/۷ درصد از معلمان در سطح خیلی بالا، ۲۸/۲ درصد در حد بالا و تنها ۱ درصد در حد متوسط است.

یافته‌های به دست آمده بر مبنای چهار بعد مورد بحث بدین شرح است: در بعد «دلبستگی و علاقه به کار»، نیمی از معلمان کاملاً و قریب به ۴۵ درصد از آن‌ها تا حدود زیادی به کارشان دلبستگی و علاقه دارند. در بعد «پشتکار و جدیت در کار»، بیش از نیمی از معلمان (۵۹ درصد) کاملاً و ۴۱ درصد از آن‌ها معمولاً در کارشان سخت‌کوش و وظیفه‌شناس هستند. همچنین در بعد «روابط سالم و انسانی در محیط کار»، ۶۹ درصد از معلمان در محیط کارشان رفتاری کاملاً دوستانه با سایر همکارانشان دارند (تنها ۶ درصد از آن‌ها در محیط کارشان شرایطی عکس شرایط فوق داشته‌اند). بررسی گویه‌های مربوط به بعد چهارم اخلاق کار یعنی «روح جمعی و مشارکت در کار» نشان می‌دهد که ۶۴ درصد از معلمان در کارشان روحیه مشارکتی دارند و تابع قوانین و مقررات مدرسه هستند.

13. Cooperative

جدول ۱. توزیع فراوانی «میزان اخلاق کار معلمان»

میزان اخلاق کار	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
متوسط	۴	۱	۱
زیاد	۱۱۱	۲۸.۲	۲۹.۳
خیلی زیاد	۲۷۸	۷۰.۷	۱۰۰
جمع	۳۹۳	۱۰۰	—

اعتقاد به ارزش‌های مذهبی: اعتقاد به ارزش‌های مذهبی، همانند اخلاق کار، سازه‌ای نظری است که با تفکیک به ابعاد گوناگون و شاخص‌سازی دقیق قابل سنجش است. همان‌طور که در بخش تعریف متغیرها و عملیاتی‌سازی آن‌ها ذکر شد، اعتقاد به ارزش‌های مذهبی به چهار بعد «اعتقادی»، «مناسکی»، «عاطفی» و «پیامدی» تقسیم شد و برای هر کدام از این ابعاد چهارگانه گویه‌هایی در نظر گرفته شد. جمع نمرات به دست آمده در این چهار بعد، نمره کلی معلمان در میزان اعتقاد به ارزش‌های مذهبی را به دست می‌دهد. یافته‌های به دست آمده از جامعه مورد مطالعه، حاکی از آن است که نمره کلی اعتقاد معلمان به ارزش‌های دینی در حد بالایی قرار دارد؛ به طوری که اکثر معلمان در این زمینه دارای گرایش‌های شدید مذهبی خصوصاً در بعد اعتقادی و عاطفی هستند.

بررسی اعتقاد به ارزش‌های مذهبی با تفکیک به ابعاد چهارگانه («اعتقادی»، «مناسکی»، «عاطفی» و «پیامدی») حاکی از آن است که بیشترین میزان گرایش به ارزش‌های مذهبی در بعد «عاطفی» مشاهده می‌شود. به طوریکه بیش از ۹۵ درصد از معلمان به بعد عاطفی ارزش‌های مذهبی اعتقاد دارند. کند و کاو بیشتر در اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که تفاوتی بین مجردان و متأهلان در میزان اعتقاد به بعد عاطفی ارزش‌های مذهبی مشاهده نمی‌شود.

در خصوص بعد «اعتقادی»، اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که در حدود ۸۶ درصد از معلمان مورد مطالعه به ارزش‌های بنیادین مذهبی اعتقاد دارند و زنان در این بعد وضعیتی به مراتب بهتر از مردان دارند (۹۵ درصد از معلمان زن در مقابل ۷۵ درصد از معلمان مرد). هم‌چنین معلمان متأهل بیشتر از معلمان مجرد به بعد اعتقادی پایبند هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد افرادی با پایگاه اجتماعی پایین‌تر نسبت به افرادی با پایگاه اجتماعی بالاتر اعتقاد بیشتری به این بعد از ارزش‌های مذهبی دارند. بررسی میزان پایبندی افراد به بعد اعتقادی ارزش‌های مذهبی براساس تحصیلات والدین، نشان می‌دهد معلمانی با والدین بی‌سواد یا کم‌سواد، نسبت به معلمانی که والدین‌شان باسواد و تحصیل کرده‌اند، به بعد اعتقادی ارزش‌های مذهبی گرایش بیشتری دارند.

هم‌چنین اطلاعات به دست آمده در مورد گویه‌های مربوط به بعد «مناسکی» ارزش‌های مذهبی نشان می‌دهد ۴۵/۲ درصد از معلمان در حد متوسط ۲۸ درصد در حد کم و ۱۵ درصد در حد خیلی کم مناسک و اعمال مذهبی را انجام می‌دهند. درحقیقت تنها ۱۱ درصد از معلمان در بعد مناسکی گرایش بالایی به ارزش‌های مذهبی دارند. هم‌چنین بررسی‌ها نشان می‌دهد معلمان مرد در مقایسه با معلمان زن، در حد کمتری به مناسک مذهبی گرایش دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که با تغییر وضعیت تأهل و سابقه کار، باور معلمان به بعد مناسکی ارزش‌های مذهبی تغییر می‌کند.

در بعد «پیامدی»، یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از معلمان مورد مطالعه (۵۷.۵ درصد) به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی اعتقاد دارند. کند و کاو بیشتر در داده‌ها مبین آن است که معلمان متأهل نسبت به معلمان مجرد اعتقاد بیشتری به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی دارند (۶۰ درصد از پاسخ‌گویان متأهل در مقابل ۴۵ درصد از پاسخ‌گویان مجرد). در نهایت ذکر این نکته حایز اهمیت است که تفاوت‌های معلمان زن و مرد در ابعاد چهارگانه «ارزش‌های مذهبی» را نمی‌توان قطعاً به معنای بیشتر مذهبی بودن زنان در مقایسه با مردان تلقی کرد، بلکه این امر می‌تواند ناشی از تفاوت در تظاهرات رفتارهای مذهبی‌زدن‌زنان مردان باشد.

اعتقاد به ارزش‌های سیاسی: در بررسی میزان اعتقاد معلمان به ابعاد دوگانه (دموکراتیک/ بنیادگرایانه) ارزش‌های سیاسی مشخص شد که ۷۳ درصد از معلمان به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه گرایش دارند. هم‌چنین یافته‌ها نشانگر آن است که زنان در مقایسه با مردان (۸۲ درصد در مقابل ۶۱ درصد) بیشتر به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه اعتقاد دارند و

در مقابل، مردان بیشتر از زنان به ارزش‌های سیاسی دموکراتیک معتقدند. گفتنی است پیشتر در بررسی میزان اعتقاد به ارزش‌های مذهبی ملاحظه شد که زنان احتمالاً در مقایسه با مردان گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند و همین امر می‌تواند تبیین‌کننده این نکته باشد که معلمان مذهبی‌تر ارزش‌های سیاسی خود را بیشتر از مبانی دینی استخراج می‌نمایند. یافته جالب توجه دیگر آن که معلمانی که در مقطع ابتدایی تدریس می‌کنند از افرادی که در مقاطع تحصیلی بالاتر تدریس می‌کنند گرایش بیشتری به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه دارند.

اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی: در بررسی میزان اعتقاد معلمان به ابعاد دوگانه (محافظه‌کارانه/ لیبرال) ارزش‌های اقتصادی یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد ۶۰ درصد از معلمان به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه گرایش دارند و با اقتصاد دولتی و مدیریت اقتصاد توسط دولت موافق‌اند. این درحالی است که در مجموع ۳۶/۴ درصد از معلمان به ارزش‌های اقتصادی لیبرال معتقدند. هم‌چنین بررسی‌ها نشان داد که زنان به لحاظ اقتصادی محافظه‌کارتر از مردان‌اند (۷۰ درصد در مقابل ۴۵ درصد) و با افزایش سن و سابقه تدریس از میزان لیبرال بودن معلمان کاسته شده و بر میزان محافظه‌کاری اقتصادی آن‌ها افزوده می‌شود. علاوه بر یافته‌های اخیر، نتایج حاکی از آن است که با پایین آمدن مقطع تدریس معلمان (از دبیرستان به ابتدایی) بر میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه افزوده می‌شود.

اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی: همان‌طور که در بخش تعریف مفاهیم و عملیاتی‌سازی آن‌ها ذکر شد، ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه/ نوگرایانه تا حدودی با محوریت «نگرش‌های جنسیتی» شاخص‌سازی شد. در خصوص میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های فرهنگی نوگرایانه/ محافظه‌کارانه، یافته‌ها حاکی است که معلمان مرد محافظه‌کارتر از معلمان زن هستند (۳۷/۵ درصد در مقابل ۱۴ درصد) و این در حالی است که این یافته «ظاهراً» با یافته‌های پیشین دال بر محافظه‌کاری بیشتر زنان (در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی) تعارض دارد. ولی برای تبیین این تعارض ظاهری، باید به این امر توجه کرد که تأثیر «نحوه شاخص‌سازی متغیر میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی نوگرایانه/ محافظه‌کارانه» با محوریت «نگرش‌های جنسیتی به امور فرهنگی» و هم‌چنین «ترکیب جنسی نمونه‌های مورد مطالعه» (۵۵/۲ درصد زن و ۴۴/۸ درصد مرد) تبیین‌کننده میزان نسبتاً پایین (۲۴/۵ درصدی) محافظه‌کاری فرهنگی در بین کل معلمان و به‌ویژه معلمان زن است. زنان با وجود محافظه‌کاری سیاسی و اقتصادی و تجلیات دین‌دارانه بیشتر، در پاسخ به گویه‌هایی با جهت‌گیری جنسیتی واکنش نشان داده‌اند و همین امر باعث پایین بودن میزان محافظه‌کاری فرهنگی در بین آن‌ها شده است. کند و کاو بیشتر در نتایج به دست آمده نشان‌دهنده آن است که با افزایش سن و سابقه تدریس و هم‌چنین با تغییر وضعیت تأهل از مجرد به متأهل، بر میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه افزوده می‌شود. ذکر این نکته حایز اهمیت است که معلمان جوان‌تر به‌ویژه معلمان زن جوان‌تر، به دلیل فاصله و شاید شکاف نسلی، نگرش‌های جنسیتی کمتری به مسایل فرهنگی دارند و از آن‌جا که در سنجش محافظه‌کاری فرهنگی گویه‌های مربوط به نگرش‌های جنسیتی اهمیت محوری داشته‌اند، کاهش میزان محافظه‌کاری فرهنگی از معلمان (به‌ویژه زن) مسن‌تر و باسابقه‌تر به معلمان (به‌ویژه زن) جوان‌تر و کم‌سابقه‌تر می‌تواند ناشی از همین امر باشد.

یافته‌های تحلیلی

اطلاعات مربوط به رابطه متغیرهای مستقل تحقیق با اخلاق کار در جدول ۲ آمده است.

رابطه بین ارزش‌های مذهبی و اخلاق کار: اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد میان اعتقاد به ارزش‌های مذهبی و اخلاق کار همبستگی معناداری (۰.۴۷) وجود دارد. بدین ترتیب هرچه افراد پایبندی بیشتری به ارزش‌های مذهبی داشته باشند میزان اخلاق کارشان بیشتر می‌شود و بالعکس. البته با توجه به عناصر مثبتی که در اخلاق کار اسلامی می‌توان یافت، هم‌چون سخت‌کوشی، تعهد، ایثار در کار، کار خلاق و اجتناب از روش‌های غیر اخلاقی برای جمع‌آوری ثروت، می‌توان نتیجه گرفت که افرادی با پایبندی و گرایش مذهبی بیشتر، از میزان بالای اخلاق کار برخوردارند.

جدول ۲. رابطه «اعتقاد به ارزش‌های مذهبی» و «اخلاق کار» معلمان

نام متغیر	همبستگی پیرسون		تحلیل واریانس	
	معناداری	آر	اف	معناداری
میزان اعتقاد به ارزش‌های مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۴۷	۱۱۳/۲۲	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به بعد اعتقادی ارزش‌های مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۳۷	۶۳/۹۲۵	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به بعد عاطفی ارزش‌های مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۸۵/۰۱۶	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۴۷	۱۱۰/۱۹۴	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به بعد مناسکی ارزش‌های مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۲۴	۲۵/۱۱۶	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به ارزش‌های سیاسی دموکراتیک	۰/۰۰۰	-۰/۲۹	۳۵/۶۸۵	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه اسلامی	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۸۶/۲۰۷	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه	۰/۰۰۰	۰/۵۹	۲۱۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی لیبرالی	۰/۰۰۰	-۰/۲۸	۳۳/۰۹۵	۰/۰۰۰
میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۳۳/۳۲۲	۰/۰۰۰

در تحلیل دقیق‌تر رابطه بین «ابعاد چهارگانه ارزش‌های مذهبی» از یکسو و «اخلاق کار» از سوی دیگر، باید خاطر نشان ساخت بیشترین همبستگی معنادار بین ابعاد چهارگانه «ارزش‌های مذهبی» و «اخلاق کار»، نخست در بعد پیامدی (۰.۴۷)، سپس در بعد عاطفی (۰.۴۲)، در وهله بعد در بُعد اعتقادی (۰.۳۷) و نهایتاً در بعد مناسکی (۰.۲۴) قابل مشاهده است. این یافته‌ها که در جدول زیر به تفصیل ارائه شده، حاکی از آن است که با افزایش میزان اعتقاد معلمان به هر یک از «ابعاد چهارگانه ارزش‌های مذهبی»، «میزان اخلاق کار» آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. البته همان‌طور که ذکر شد، میزان این همبستگی، در ابعاد چهارگانه تا حدودی متفاوت است.

رابطه بین اعتقاد به ارزش‌های سیاسی و میزان اخلاق کار: همان‌طور که پیشتر ذکر شد، میزان اعتقاد به ارزش‌های سیاسی در دو بعد اعتقاد به ارزش‌های دموکراتیک و بنیادگرایانه مورد سنجش قرار گرفت. جدول همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان اعتقاد به ارزش‌های سیاسی دموکراتیک و اخلاق کار رابطه معناداری وجود دارد. این ارتباط به گونه‌ای است که هرچه میزان اعتقاد افراد به ارزش‌های سیاسی دموکراتیک بیشتر شود، از میزان اخلاق کار آنان کاسته می‌شود. در مقابل، اطلاعات نشان می‌دهد میان اعتقاد فرد به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه و میزان اخلاق کار نیز رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه - برخلاف رابطه ارزش‌های سیاسی دموکراتیک و اخلاق کار - مثبت است و با افزایش گرایش معلمان به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه، میزان اخلاق کار آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

رابطه بین اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی و میزان اخلاق کار: اطلاعات به دست آمده از جدول همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه و میزان اخلاق کار آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه به صورتی است که معلمان «از لحاظ اقتصادی محافظه‌کارتر» از «میزان اخلاق کار» بالاتری برخوردارند و بالعکس. وضعیت برای معلمان «لیبرال‌تر از لحاظ اقتصادی» عکس وضعیت معلمان «محافظه‌کارتر از لحاظ اقتصادی» است. اطلاعات جدول ذیل رابطه معنادار و همبستگی معنادار بین «اخلاق کار» و اعتقاد به «ارزش‌های اقتصادی لیبرالی» در بین معلمان را نشان می‌دهد.

رابطه بین اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی و میزان اخلاق کار معلمان: تحلیل روابط همبستگی بین میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی نوگرا و محافظه‌کار از یکسو و اخلاق کار معلمان از سوی دیگر، نشان می‌دهد که میان اعتقاد فرد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه و میزان اخلاق کار وی رابطه معناداری وجود دارد. این ارتباط به گونه‌ای است که معلمان

«محافظة کارتر از لحاظ فرهنگی» از «میزان اخلاق کار» بیشتری برخوردارند.

تحلیل رگرسیون چند متغیری

در این پژوهش برای احتساب رگرسیون چند متغیره از روش گام به گام استفاده شده است. در این روش که متغیرها به ترتیب وارد معادله می‌شوند، در ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین مقدار از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بدیهی است که این متغیر بالاترین همبستگی را با متغیر وابسته خواهد داشت. در این روش، با ورود هر متغیر جدید، کلیه متغیرهای موجود در معادله مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر هر کدام از آن‌ها سطح معنی‌داری خود را از دست داده باشد، قبل از ورود متغیر جدید، از معادله خارج می‌شود. در پایان عملیات نیز هر متغیری که دارای سطح معنی‌داری کمتری از سطح تعیین شده است، در معادله حضور نخواهد داشت. تحلیل رگرسیونی خطی حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل واردشده در مدل، سه متغیر «اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه»، «اعتقاد به ارزش‌های مذهبی در بعد پیامدی» و «اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه» به ترتیب بیشترین میزان و شدت تأثیر را بر اخلاق کار معلمان دارند. «ضرایب استاندارد بتا» بیان‌کننده آن است که «میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه» (با ضریب بتای ۰/۵۱) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده متغیر «میزان اخلاق کار» معلمان است. بدین ترتیب، معلمانی که گرایش بیشتری به اقتصاد دولتی دارند و به مدیریت دولتی اقتصاد معتقدند، از میزان اخلاق کار بیشتری برخوردارند. هم‌چنین بررسی‌ها نشان می‌دهد کسانی که به لحاظ اقتصادی محافظه‌کارترند، پایبندی‌شان به ارزش‌های دینی (در بعد پیامدی) بیشتر است و هم‌چنین گرایش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه دارند.

بررسی دقیق‌تر یافته‌ها حاکی از آن است که چنان‌چه متغیر مستقل «میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه» به تنهایی وارد مدل (مدل ۱) شود، می‌تواند تا ۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (میزان اخلاق کار معلمان) را تبیین کند. در مدل دوم با اضافه شدن متغیر مستقل «میزان اعتقاد به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی» به متغیر مستقل قبلی، ۳۵ درصد فوق‌الذکر به ۳۶/۷ درصد افزایش می‌یابد. نهایتاً مدل سوم نشان می‌دهد چنان‌چه متغیر مستقل «میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه» وارد جمع دو متغیر مستقل قبلی شود، این سه متغیر مستقل می‌توانند تا ۳۸/۷ درصد از تغییرات متغیر «اخلاق کار» معلمان را تبیین کنند.

جدول ۳. آماره‌های رگرسیون چند متغیری برای تبیین متغیر «میزان اخلاق کار معلمان»

مدل	آر	مجذور آر	اف	معناداری
۱	۰/۵۹۱	۰/۳۵۰	۲۱۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
۲	۰/۶۰۷	۰/۳۶۸	۱۱۳/۵۱۱	۰/۰۰۰
۳	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۸۱/۸۵۱	۰/۰۰۰

جدول ۴. متغیرهای داخل مدل رگرسیون چند متغیری برای تبیین متغیر «میزان اخلاق کار معلمان»

مدل	متغیر	بی	انحراف استاندارد	بتا	تی	معناداری
۱	میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه	۱/۲۶۴	۰/۰۸۷	۰/۵۹۱	۱۴/۵۰۰	۰/۰۰۰
		۱/۰۴۰	۰/۱۰۹	۰/۴۸۷	۹/۵۵۸	۰/۰۰۰
		۰/۸۴۷	۰/۲۵۳	۰/۱۷۱	۳/۳۵۵	۰/۰۰۱

۰/۰۰۰	۱۰/۲۲۱	۰/۵۲۶	۰/۱۱۰	۱/۱۲۵	میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه	۳
۰/۰۰۰	۴/۷۱۰	۰/۲۷۶	۰/۲۹۱	۱/۳۷۱	میزان اعتقاد به بعد پیامدی ارزش‌های مذهبی	
۰/۰۰۱	-۳/۴۷۶	-۰/۱۹۲	۱/۱۲۳	-۰/۴۲۸	میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه	

داده‌های مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیری در دو جدول فوق، گواه بر این نکته‌اند که از جمع متغیرهای مستقل این تحقیق تنها سه متغیر مستقل مرتبط با مباحث محافظه‌کاری، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و بقیه متغیرهای مستقل، خارج از معادله رگرسیونی قرار گرفته‌اند. این یافته، یافته‌های مطالعات پیشین را درخصوص ارتباط تنگاتنگ محافظه‌کاری و اخلاق کار (برای نمونه آتیه، بریف و ولراث، ۱۹۸۷؛ فورنهام، ۱۹۸۴) تأیید می‌کند و حاکی از آن است که در ایران نیز می‌توان اخلاق کار را بخشی از فضای محافظه‌کاری قلمداد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله رابطه «اخلاق کار» و «اعتقاد به ارزش‌ها (فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی)» در بین معلمان شهرستان رشت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد میزان اخلاق کار معلمان در سطح بالایی قرار دارد. بررسی شاخص‌های اخلاق کار حاکی از آن بود که اکثر معلمان به کارشان دلبستگی و علاقه دارند و کارشان را با پشتکار و جدیت انجام می‌دهند. هم‌چنین شمار بسیار زیادی از آن‌ها (۹۴ درصد) در محیط کارشان دارای روابط دوستانه می‌باشند. این یافته می‌تواند ناشی از رسوخ خصلت‌های سنتی جامعه ما به درون نهاد آموزش و پرورش، تداخل بالای ارزش‌های حوزه خانواده با ارزش‌های حوزه کار و میزان پایین تمایز یافتگی ساختاری در بین نهادهای اجتماعی باشد. درحقیقت، داشتن روابط دوستانه در محیط کار، آن هم در درون یکی از مدرن‌ترین نهادهای اجتماعی کشور، که انتظار می‌رود در اجتماعی کردن ارزش‌های مدرن و تغییر جامعه نقشی مؤثر ایفا کند، نشانه حضور هنجارهای خویشاوندی در درون نهاد آموزش و پرورش است.

در بررسی میزان پایبندی معلمان به ارزش‌های مذهبی و ابعاد چهارگانه آن، نتایج حاکی از آن بود که بیش از ۷۵ درصد معلمان مورد مطالعه به ارزش‌های مذهبی و دینی گرایش دارند. کارکرد ایدئولوژیک نظام آموزشی و اعمال معیارهایی هماهنگ در این جهت برای استخدام نیروها در این نهاد، می‌تواند تبیین‌کننده میزان بالای مذهبی بودن جامعه معلمان در ایران باشد. در خصوص میزان اعتقاد معلمان به ارزش‌های اقتصادی، نتایج نشان داد که بیش از نیمی از معلمان جمعیت نمونه به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه معتقدند. معلمانی با این خصوصیت، با اقتصاد دولتی و تحت نظارت دولت موافق هستند و حتی با سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در کشور مخالفانند. هم‌چنین یافته‌ها گواه بر آن بودند که زنان به لحاظ اقتصادی از مردان محافظه‌کارترند. این یافته می‌تواند با توجه به شیوه‌های متفاوت اجتماعی شدن زنان و مردان در جامعه ما و نقش‌ایدئولوژی جنسیتی در تولید گرایش‌ها و ارزش‌های اقتصادی تحلیل شود. در حقیقت، گرایش به ارزش‌های اقتصادی محافظه‌کارانه که بر امنیت اقتصادی بیشتر و آزادی فردی کمتر در فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد، به دلیل نوع پرورش جنسیتی، نزد زنان بیشتر یافت می‌شود.

در ارتباط با مناسبات بین ارزش‌های سیاسی و اخلاق کار، یافته‌ها بر میزان بالای اعتقاد به ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه در بین معلمانی با اخلاق کار بالا تأکید داشت. در جامعه‌ای هم‌چون جامعه ما که نظام سیاسی آن بر پایه مذهب و ارزش‌های مذهبی شکل گرفته است، معلمان به عنوان رسانه‌های ایدئولوژیک نظام، بالطبع گرایش بیشتری به سمت ارزش‌های سیاسی بنیادگرایانه دارند تا ارزش‌های دموکراتیک.

در زمینه اعتقاد افراد به ارزش‌های فرهنگی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بیش از نیمی از افراد به لحاظ فرهنگی نوگرا هستند. بدین صورت که در مورد نقش‌های جنسیتی (خانوادگی و اجتماعی) و تبعیض جنسیتی و نگرش به فرهنگ مدرن دارای گرایش‌های نوگرایانه می‌باشند و در این میان زنان در بعد فرهنگی از مردان نوگراتر بوده‌اند. همان‌طور که در بخش مربوط ذکر شد، باید به این امر توجه کرد که تأثیر «نحوه شاخص‌سازی متغیر میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی نوگرایانه/ محافظه‌کارانه» با محوریت «نگرش‌های جنسیتی به امور فرهنگی» و هم‌چنین «ترکیب جنسی نمونه‌های مورد مطالعه» (۵۵/۲ درصد زن و ۴۴/۸

درصد مرد) بر میزان پایین محافظه‌کاری فرهنگی معلمان زن - با وجود محافظه‌کاری سیاسی و اقتصادی بالای آن‌ها - مؤثر بوده است. در واقع، زنان معلم با وجود محافظه‌کاری سیاسی و اقتصادی و تجلیات دین‌دارانه بیشتر، در پاسخ به گویه‌هایی با جهت‌گیری جنسیتی واکنش نشان داده‌اند و همین امر باعث پایین بودن میزان محافظه‌کاری فرهنگی در بین زنان شده است.

یافته‌های این پژوهش که با اتکا به ادبیات نسبتاً غنی در حوزه مطالعات اخلاق کار سازمان داده شده بود، نتایج مطالعات پیشین را در خصوص ارتباط بین محافظه‌کاری و اخلاق کار (برای مثال آتیه، بریف و ولراث، ۱۹۸۷؛ فورنهام، ۱۹۸۴، هیگنز، ۱۹۹۷؛ هیگنز و دیگران، ۲۰۰۱) تأیید می‌کند. درحقیقت در ایران نیز اخلاق کار جزئی از حوزه محافظه‌کاری است و ماهیتاً پدیده‌ای محافظه‌کارانه - سنت‌گرایانه و بخشی از نظام نسبتاً جامع نگرش‌های محافظه‌کارانه به زندگی است که می‌تواند با گرایش‌های مذهبی بالا، جنسیت‌گرایی و در کشورهای غربی با نژادپرستی (بیرنت و دیگران، ۱۹۹۶) نیز همراه گردد.

با وجود هماهنگی کلی یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین در خصوص ارتباط جنسیت‌گرایی با اخلاق کار (کریستوفر و جونز، ۲۰۰۴)، محافظه‌کاری فرهنگی و اخلاق کار (تاروت، راجمیکر و فون ول، ۲۰۰۵)، در مطالعات پیشین بین اشکال دیگر محافظه‌کاری (برای مثال محافظه‌کاری اقتصادی و محافظه‌کاری سیاسی)، گرایش‌های مذهبی و اخلاق کار ارتباطی به دست نیامده بود. این در حالی است که نتایج این مطالعه حاکی است بین محافظه‌کاری اقتصادی و گرایش‌های مذهبی از یک‌سو و اخلاق کار از سوی دیگر، ارتباط معناداری وجود دارد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۱) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) *تحولات فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کوبر.
- رجب زاده، احمد (۱۳۷۶) «ارزش‌ها و ضعف وجدان کاری در ایران»، *نامه پژوهش*، سال دوم، شماره ۵: ۵۴-۷۳.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۸) «نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولارشدن»، *نامه پژوهش*، شماره ۹ و ۱۰: ۱۰۵-۱۱۸.
- طالبی، ابوتراب (۱۳۸۰) بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی (مذهبی) و کنش‌های اجتماعی (دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه ۱۵ و ۳ شهر تهران)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه دکتری.
- کاویان اهوازی، بهنام (۱۳۸۳) بررسی اخلاق کار در ذوب آهن اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۰) *بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن*، تهران، وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۲) «بررسی اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۳) *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- Almond, Gabriel and Sidney Verba (1963), *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nation*, Princeton: Princeton University Press. [Reprinted by Little, Brown, Boston, 1980.]
- Atieh, J., A. Brief & D. Vollrath (1987) "The Protestant Work Ethic—Conservatism Paradox: Beliefs and Values in Work and Life" *Personality and Individual Differences*, 8: 577–580.
- Biernat, M., T. K. Vescio, & S. A. Theno (1996) "Violating American Values: A "valuecongruence" Approach to Understanding out Group Attitudes", *Journal of Experimental Social Psychology*, 32: 387–410.
- Blau . G. & J. Ryan (1997) "On Measuring Work Ethic: A Neglected Work Commitment Facet", *Journal of Vocational Behavior*, 151: 225 – 24.
- Cherrington, D. (1980). *The Work Ethic: Working Values and Values that Work*, New York: Amacom.
- Christopher, Andrew N. & Jason R. Jones (2004) "Affluence Cues and First Impressions: The Moderating Impact of the Protestant Work Ethic", *Journal of Economic Psychology*, 25: 279–292.
- De Witte, H. (1995) "Socialization of work Ethic Among University Students. Effects of Gender and Educational Level of their Parents", Antwerpen, paper *UA Conference. Youth and Work Values*.

- Feather, N. (1984) "Protestant Ethic, Conservatism, and Values", *Journal of Personality and Social Psychology*, 46: 1132–1141.
- Furnham, A. (1984) "Work Values and Beliefs in Britain", *Journal of Occupational Behavior*, 5: 281–291.
- Furnham, A. (1987) "Predicting Protestant Working Beliefs", *European Journal of Personality*, 1: 93–106.
- Furnham, A. (1990) *The Protestant Work Ethic: The Psychology of Work-Related Beliefs and Behaviors*, London: Routledge.
- Glock, Charles and Y. Rony Stark (1965) *Religion and Society in Tension*, Chicago: Rand MC Nally.
- Higgins, E. T. (1997) "Beyond Pleasure and Pain", *American Psychologist*, 52: 1280–1300.
- Higgins, E. T., R. S. Friedman, R. E. Harlow, L. C. Idson, O. N. Ayduk, & A. Taylor (2001) "Achievement Orientations from Subjective Histories of Success: Promotion Pride Versus PreventionPride", *European Journal of Social Psychology*, 31: 3–23.
- Hill, R. B. (1992) *The Work Ethic as Determined by Occupation, Education, Age, Gender, Work Experience and Empowerment*, PhD Dissertation, The University of Tennessee.
- Kidron, A. (1978) "Work Values and Organizational Commitment", *Academy of Management Journal*, 21 (2): 39–47.
- Jones, H. B. (1997) "The Protestant Ethic: Weber's Model and the Empirical Literature", *Human Relations*, 50: 757–778.
- Kohn, M. L., K. M. Slomczynski & C. Schoenbach (1986) "Social Stratification and the Transmission of Values in the Family: A Cross-National Assessment", *Sociological Forum*, 1: 73–102.
- Kohn, Melvin L. (1963) "Social Class and Parent-Child Relationships: An Interpretation", *American Journal of Sociology*, 68: 471–80.
- McLelland, D. C. (1961). *The Achieving Society*, Princeton: Van Nostrand.
- Miller, M. J., D. J. Woehr, & N. Hudspeth (2002) "The Meaning and Measurement of Work Ethic: Construction and Initial Validation of a Multidimensional Inventory", *Journal of Vocational Behavior*, 60: 451–489.
- Mudrack, P. E. (1992) "The Protestant Work Ethic and Type A Behaviour: Overlap or Orthogonality", *Academy of Management Review*, 14: 333–349.
- Petty, G. C. (1993) "Development of the occupational Work Ethic Inventory", Paper presented at the 1993 Annual *American Vocational Association Meeting*, Nashville, Tennessee.
- Petty, G. C. & R. B. Hill (1994) "Are Men and Women Different? A Study of the Occupational Work Ethic", *Journal of Vocational Education Research*, 19 (1): 71–89.
- Raaijmakers, Q. (1987) "The Work Ethic of Dutch Adolescents", In J. L. Hazekamp, W. Meeus, & Y. Poel (Eds.), *European Contributions to Youth Research*, Amsterdam: Free University Press: 117–130.
- Ter Bogt, T. (1999) *Werk! Twee Studies Naar Arbeidsethos in Nederland [Work! Two Studies on Work Ethic in the Netherlands]*, University of Utrecht (dissertation), Utrecht.
- Ter Bogt, Tom Quinten Raaijmakers, and Frits Van Wel (2005) "Socialization and Development of the Work Ethic among Adolescents and Young Adults", *Journal of Vocational Behavior*, 66: 420–437.
- Vollebergh, W., J. Iedema & W. Meeus (1999) "The Emerging Gender Gap: Cultural and Economic Conservatism in the Netherlands 1970 – 1992", *Political Psychology*, 20: 291–327.
- Woehr, David J., Luis M. Arciniega & Doo H. Lim (2007) "Examining Work Ethic across Populations: A Comparison of the Multidimensional Work Ethic Profile across Three Diverse Cultures", *Educational and Psychological Measurement*, 67 (1): 154–168.
- Willis, P. E. (1977) *Learning to Labour: How Working Class Kids Get Working Class Jobs*, Aldershot: Avebury.

پیوست ۱: گویه های مربوط به سنجه ارزش ها

ارزش های مذهبی: گویه های مربوط به میزان اعتقاد به ابعاد چهارگانه ارزش های مذهبی به شرح ذیل است:

الف) گویه های مربوط به بعد اعتقادی

- در روز قیامت به اعمال ما رسیدگی می شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم می روند.
- من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم.
- با ظهور حضرت مهدی (عج) جهان پر از عدل و داد می شود.
- شیطان واقعاً وجود دارد.

ب) گویه های مربوط به بعد عاطفی

- بدون اعتقادات دینی احساس می کنم زندگی ام پوچ و بی هدف است.
- بعضی وقت ها احساس ترس از خداوند به من دست می دهد.
- گاهی احساس توبه می کنم و از خداوند برای جبران گناهانم طلب کمک می کنم.
- گاهی احساس می کنم به خدا نزدیک شده ام.

۳- گویه های مربوط به بعد پیامدی:

- به نظر می رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی توان در جامعه امروزی پیاده کرد (گویه منفی).
- در شرایط کنونی با توجه به وضعیت پوشش جوانان، بدحجابی از مهم ترین مسایل جامعه به شمار می رود.

۴- گویه های مربوط به بعد مناسکی:

- در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا مسافر نباشید) چقدر روزه می گیرید؟
- در طول ماه هر چند روز یکبار برای ادای نماز جماعت به مسجد می روید؟
- در طول یک ماه هر چند روز یکبار قرآن می خوانید؟

ارزش های سیاسی

الف) گویه مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش های سیاسی دموکراتیک»

- عقاید اکثریت را حتی اگر به نفع من نباشد می پذیرم.
 - شرکت در انتخابات یک حق است نه یک وظیفه.
 - وجود احزاب زیاد با دیدگاه ها و عقاید مختلف به هرج و مرج سیاسی می انجامد (گویه منفی).
 - بعضی ها اعتقاد دارند که دموکراسی برترین و بهترین شکل حکومت است.
- ب) گویه های مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش های سیاسی بنیادگرایانه»
- به نظر من مشروعیت حکومت باید الهی باشد نه مردمی.
 - فقها در تشخیص و اجرای امور سیاسی نسبت به سایر مردم برتری دارند.
 - در جامعه مذهبی مثل جامعه ما نباید به احزاب سکولار (غیر مذهبی) اجازه فعالیت سیاسی داد.
 - دستورات رهبر جامعه اسلامی دستورات خداوند است و مردم باید از او اطاعت کنند.

ارزش های اقتصادی

الف) گویه های مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش های اقتصادی محافظه کارانه»

- داشتن یک شغل دائمی با حقوق پایین بهتر از شغل غیر دائمی با حقوق بالاست.
- دولت نباید مدیریت اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار کند.
- به نظر برخی سرمایه گذاری شرکت های خارجی در کشور باعث وابستگی اقتصادی کشور به خارج می شود.
- بهتر است منابع عمومی و خصوصی کشور بیشتر در دست دولت باشد تا افراد.

- برای داشتن یک اقتصاد پویا باید کسب سود به هر وسیله‌ای ممکن باشد (گویه منفی).
- الف) گویه‌های مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش‌های اقتصادی لیبرالی»
- تفاوت و نابرابری در درآمد در هر جامعه‌ای امری طبیعی است.
- دولت خیلی نباید برای کاهش نابرابری در درآمد اقدامی انجام دهد.
- تفاوت و نابرابری در ثروت در هر جامعه‌ای امری طبیعی است.
- برای داشتن یک اقتصاد پویا دولت نباید خیلی جلو افزایش قیمت‌ها و رقابت در بازار را بگیرد.
- تفاوت در پایگاه اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه‌ای امری طبیعی است.

ارزش‌های فرهنگی

- الف) گویه‌های مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی محافظه‌کارانه»
- بهتر است زن شاغل نباشد و فقط کارهای مربوط به خانه را انجام دهد.
- در دنیای سیاست مردان ذاتاً کارآیی بیشتری نسبت به زنان دارند.
- نباید اجازه عمل جراحی برای تغییر جنسیت به افرادی داده شود که خداداد بین دو جنس متولد شده‌اند، چرا که با این عمل نظم اجتماعی جامعه به هم می‌ریزد.
- غربی‌ها به خانواده خود پایبند نیستند.
- باید از نفوذ ارزش‌های غربی در جامعه جلوگیری کرد.
- ب) گویه‌های مربوط به «میزان اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی نوگرایانه»
- بهتر است زن در خانه به شغل خانه‌داری و تربیت فرزندان بپردازد و مرد بیرون از خانه کار کند (گویه منفی).
- امروزه با توجه به مشکلات مادی خانواده‌ها، نباید سقط جنین از لحاظ شرعی منعی داشته باشد.
- ازدواج دو نفر با مذاهب مختلف در داخل کشور بدون تغییرمذهب، هیچ اشکالی ندارد.
- افرادی که مذهبی نیستند در زندگی خود فاقد اصول اخلاقی می‌باشند.